

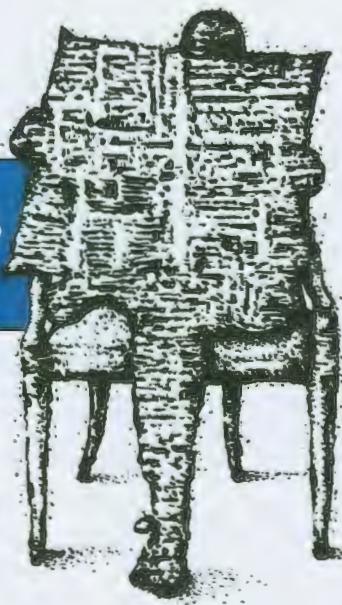


|دانش نامه های
استان همدان|

تاریخ مطبوعات استان همدان

(۱۳۹۷-۱۳۲۴ق)

مجید فروتن



|پی وسیت اول:
گذاشت نامه|



تاریخ مطبوعات استان همدان

(۱۳۹۷ - ۱۳۲۴ ق)

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

مجید فروتن



دانش نامه
استان همدان

آثار مکتوب حوزه هنری استان همدان / ۷۵؛ دانش نامه و پیوست ها / ۱۵

حوزه هنری استان همدان



نشر طلايين



استان همدان

تاریخ مطبوعات استان همدان (۱۳۲۴ق - ۱۳۹۷ش)

مجید فروتن

سرشناسه: فروتن، مجید، ۱۳۴۸- | عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مطبوعات استان همدان (۱۳۲۴ق-۱۳۹۷ش) / مجید فروتن | ویراستار: مصطفی قهرمانی ارشد؛ [برای] حوزه هنری استان همدان امشخصات نش: تهران: نشر طلايني، ۱۳۹۶، | امشخصات ظاهری: ۲۶ ص [شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۴۷-۸]؛ دانش نامه ای استان همدان | موضوع فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: بالای عنوان: دانش نامه ای استان همدان | موضوع: مطبوعات -- ایران -- همدان (استان) -- تاریخ | موضوع: History -- Iran -- Hamadan (Province) -- | نشریات ادواری -- ایران -- همدان (استان) -- | اشنازه ای افزوده: سازمان ایران -- Hamadan (Province) -- History | تبلیغات اسلامی. حوزه هنری (همدان) | رده بندی کنگره: PN ۵۴۴۹ | رده بندی دیوبی: ۷۹/۵۵۴۳ | شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۰۰۹۲۳

ناشر: نشر طلايني
طراح نشانه: آرین مهدوي
صفحه آرا: خليل الله بيك محمددي
ویراستار: مصطفی قهرمانی ارشد
تصویر روی جلد: مهدی پرستار شهری
آماده سازی کتاب (پژوهش، حروف چینی، ویرایش، طراحی نشانه، یونیفرم
و طرح روی جلد): حوزه هنری استان همدان
چاپ اول: تاستان ۱۳۹۹
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
چاپخانه: سفیر-کلک
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۴۷-۸

نشانی: همدان، ابتدای خیابان شریعتی، روبروی بانک صادرات مرکزی، بین بست زین، حوزه هنری استان همدان | تلفن: +۹۸۱-۳۲۵۱۷۲۹۰-۲ | پایگاه اطلاع رسانی: www.artahamadan.ir | ایمیل: info@artahamadan.ir

مرکز پژوهش همدان: حوزه هنری استان همدان
مرکز پژوهش تهران: خیابان طالقانی، خیابان سورپرست جنوبی، بین بست رارس، شماره ۱۱، واحد ۲
تلفن: ۰۵۶۶-۰۲۱-۶۶۴۸۳۰۰ | تایپ: ۰۵۶۶۴۱۵۲۲۳ | www.talaei.ir
تمام حقوق مادی و منوی این اثر متعلق به حوزه هنری استان همدان می باشد.

پیوست اول:
اشناختنامه



ساختار اجرایی دانشنامه

شورای علمی و اجرایی

پرویز اذکایی | علیرضا ذکاوی قراگلو | عباس زارعی مهرورز
علیرضا کمری | جواد محقق | علی محمدی | میرهاشم میری | رضا نظری ارشد

مدیر دانشنامه

سید محمدباقر حسینی

دیر

تیمور آقامحمدی

دبیران اجرایی

محسن صیفی کار | خلیل الله بیک محمدی | مصطفی قهرمانی ارشد

دیرخانه و پشتیبانی

محمد رضا باباخانیان | مریم زندی | اجلال الدین سروش
سعید شوقیان | داود عبدالملکی | امسعود فلاح | حامد زمان میرآبادی

دستگاه‌های همکار و مشاور دانش‌نامه

استانداری همدان

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان

دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان

حوزه علمیه استان همدان

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در داشتگاه‌های استان همدان

دانشگاه پوعلی سینا

صداویسمای مرکز همدان

اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان

مدیریت اسناد و کتابخانه ملی منطقه غرب کشور (همدان)

اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان همدان

اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان همدان

اداره کل آموزش و پرورش استان همدان

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان

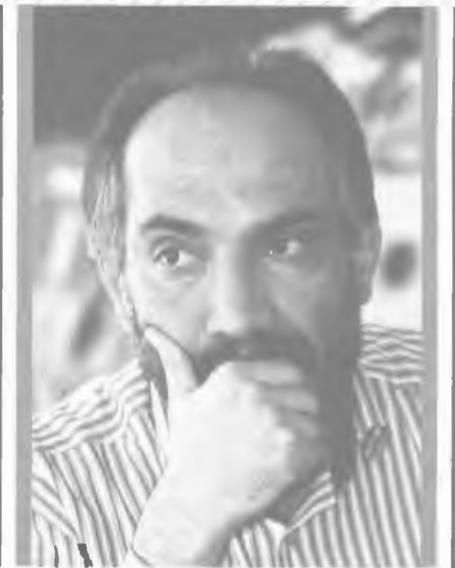
شورای فرهنگ عمومی شهرستان‌های استان همدان

جمع نمایندگان استان همدان در مجلس شورای اسلامی

شوراهای اسلامی و شهرداری‌های استان همدان

بنیاد نخبگان استان همدان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان



مجید فروتن

متولد ۱۳۴۸، همدان

کارشناسی ارشد تاریخ

فعالیت‌ها

معاون امور فرهنگی و رسانه‌ای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان.

آثار و تالیفات

فردا بارانی است (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان، ۱۳۸۲)، راهنمای و استناد

مطبوعات استان همدان (اسناد ملی عرب کشور، ۱۳۸۴)، اوضاع سیاسی و اجتماعی

همدان در جنگ جهانگیر اول (کتابدار، ۱۳۹۰)، مشروطه در همدان (برکت کوثر، ۱۳۹۲)،

همدان در عصر صفویه (آکسایا، ۱۳۹۶)، شعر دیروز همدان (آکسایا، ۱۳۹۷) و

فهرست

۱۱	دیباچه
۱۵	مقدمه
فصل اول: کلیات	
۲۱	پیشینه‌ی تحقیق
۲۵	تاریخچه‌ی مطبوعات در ایران
۲۸	نقش مطبوعات محلی در توسعه‌ی جامعه
۳۴	وضعیت مطالعه‌ی نشریات در همدان
۳۷	آسیب‌ها و راهکارها
فصل دوم: تاریخ چاپ در همدان	
۴۱	درآمد
۴۲	تحقیقات پیرامون چاپ در همدان
۴۴	تاریخچه‌ی چاپ در ایران
۴۵	تاریخ چاپ در همدان
۴۸	چاپخانه‌های همدان از مشروطه تا پهلوی
۵۰	تأثیرات تاریخی چاپ در همدان
۵۰	کتب چاپ سنگی شاعران و نویسنده‌گان همدانی در عهد قاجار

	فصل سوم: تاریخ مطبوعات همدان
۵۵	بخش اول، مطبوعات عصر قاجار همدان
۵۵	۱. ویژگی‌ها
۵۵	الف) موضوع و محتوا
۵۸	ب) طرح و فرم
۵۹	۲. ویژگی‌های نشریات همدان در عصر مشروطه
۶۲	۳. نشریات
۸۰	بخش دوم، مطبوعات عصر پهلوی همدان
۸۰	۱. ویژگی‌ها
۸۰	الف) موضوع و محتوا
۸۳	ب) طرح و فرم
۸۴	۲. نشریات
۱۱۵	بخش سوم، مطبوعات عصر انقلاب اسلامی همدان
۱۱۵	۱. ویژگی‌ها
۱۱۵	الف) موضوع و محتوا
۱۱۶	ب) طرح و فرم
۱۱۷	ج) داده‌های آماری
۱۱۹	۲. نشریات
۱۸۳	سال شمار و رویدادهای مطبوعات همدان
۱۹۱	غایه‌ی ادواری نشریات
۱۹۷	تصاویر
۲۲۱	کتاب‌نامه
۲۳۹	غایگان

دیباچه

فرهنگ، تقدن و مشاهیرِ هر ملت، شناسنامه‌ای تاریخی از سرگذشت آن ملت است که شناخت اوضاع و احوال پیشینیان را درپی دارد؛ شناختی که افروختن چراغ عبرت از افق‌های دور و نزدیک است.

شناخت تاریخ و فرهنگ ایران، به ویژه تاریخ مناطق مختلف آن، سهل و ممتنع است؛ اگرچه تلاش‌های بسیاری شده و از دیرباز در کنار تاریخ‌های عمومی، تاریخ‌های محلی نیز به سهولت در دسترس بوده است (از قبیل تاریخ مکه، تاریخ مدینه، تاریخ دمشق، تاریخ اصفهان، تاریخ بهق، تاریخ یزد، تاریخ نایین، تاریخ هرات، تاریخ نیشابور، تاریخ جرجان و...); اما کاف نیست. این‌گونه کتاب‌ها، با انبوه اطلاعات ویژه‌ی خود، در حقیقت شرح و تفسیری بر تاریخ‌های عمومی به شمار می‌آیند.

هنوز در زبان فارسی، شناختنامه و فرهنگی جامع که دارای همه‌ی ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی تمام مناطق ایران، همراه با تعبیرات، اصطلاحات، لغات و کاربردهای موردنی و محلی باشد، موجود نیست؛ چه درباره‌ی ایران پیش از اسلام که گاهواری تقدن غرب و شرق بوده است و چه درباره‌ی دوران اسلامی که دین نو در جان‌و دل مردم ایران

راه یافت و قدمی نوین وجهانی برپا شد. از خصوصیات دانش نامه های مناطق مهم فرهنگی ایران، گردآوری و نگاهداشت عناصر و مواد این فرهنگ جامع است.

در دورانی که واقعیت غالباً قلب شده و با وجود گرددش آزاد و حجم اطلاعات، دسترسی به منابع صحیح اطلاعاتی محدود است، تهیه دانش نامه برای مناطق مختلف ایران - به ویژه همدان که قدمت تاریخی و اصالت فرهنگی دارد - حرکت شایسته است. «دانش نامه ای استان همدان» مجموعه ای از مدخل ها و عنوانین گوناگون با قدر جامع «همدان» است که به قلم پژوهشگران و متخصصان به نگارش درآمده و در آن متناسب با موضوع مورد تحقیق، بر تحقیق میدانی و مطالعات کتابخانه ای تکیه شده است. این مجموعه می تواند با بهره مندی از استعدادهای محلی، زمینه ساز حرکت علمی و پژوهشی و هنری در میان پژوهشگران و هنرمندان استان باشد.

شناخت مشاهیر منطقه و نقش تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن، از دیگر فواید این مجموعه است. «دانش نامه ای استان همدان»، گذشته ای را تصویر می کند که چراغ راه آینده است و می کوشد نسل معاصر را با نقش پیشتر همدان، از جنبش فرهنگی و اجتماعی منتهی به مشروطه و سپس جنبش ملی کردن نفت، آن گاه مبارزات منتهی به انقلاب اسلامی آشنا سازد و نقش آفرینی ایثارگران این استان را در جنگ تحمیلی هشت ساله بازگاید.

«دانش نامه ای استان همدان» مجموعه ای است که با گردآوری و طبقه بندی اسناد، با زبان ساده به شناخت و معرفی پیشینه و چهره ای فرهنگی، تاریخی و قدمی استان همدان کمک می کند.

این مجموعه اهداف نظری تدوین و ارائه پشتونه و مرجعی علمی و پژوهشی برای توسعه ای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استان، جمع آوری و طبقه بندی اسناد در حوزه های یاد شده و تشکیل آرشیو و بانک اطلاعاتی برای موضوعات مختلف، تهیه ای مواد خام برای خلق آثار جدید فرهنگی و هنری مانند فیلم، موسیقی، غایش و...، پیوند جوانان با گذشته ای تاریخی و فرهنگی خود و... را دنبال می کند.

«دانش نامه ای استان همدان» سه دوره زمانی قبل از اسلام، دوران اسلامی، دوران معاصر (انقلاب اسلامی و دفاع مقدس) را در برمی گیرد و شامل بیش از ۲۰۰ جلد در دو بخش است:

الف. بخش اصلی: به روش دقیق دانشنامه‌نویسی به صورت «مدخل‌های الفبایی» شامل ۱. مشاهیر، ۲. شهرها، روستاهای، فضاهای و اماکن، خواراک و پوشک، آداب و رسوم، هنرهای صناعی، اصطلاحات عامیانه و... (پیش‌بینی ۱۲ جلد فیروزه‌ای در قطع رحلی سخت/گالینگورا).

ب. بخش پیوست: در چهار مرحله، شامل مرحله‌ی اول: «شناخت‌نامه» در قالب کتاب‌های با عنایون و موضوعات مختلف (به تعداد تقریبی ۱۷۰ جلد؛ هر کتاب در دو قطع وزیری سخت/گالینگورا، به زنگ آبی و رقعی ساده/شومیز؛ مرحله‌ی دوم: «پیوست‌های هنری و ادبی» مانند تولید فیلم، آلبوم موسیقی، عکس و مجموعه‌ی آثار هنرمندان در قالب کتاب‌های ضمیمه (در قطع‌های مختلف به زنگ قهقهه‌ای) در موضوعات یاد شده و آثار ویژه‌ی کودکان و نوجوانان، همچنین نرم‌افزار چندرسانه‌ای، نرم‌افزار تلفن همراه و... برای حضور در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی؛ مرحله‌ی سوم: «ترجمه»؛ تلخیص و ترجمه به سه زبان زنده‌ی دنیا در جلد‌هایی نفیس برای جذب گردشگران داخلی و خارجی؛ مرحله‌ی چهارم: «آرشیو»؛ بایگانی اسناد، آثار تصاویر و نسخ خطی ارزشمند درباره‌ی موضوعات دانش‌نامه و هم‌افزایی با دستگاه‌های مورد نظر و موزه‌های مرتبط جهت بهره‌برداری و بهره‌مندی هرچه بیشتر و بهتر.

«تاریخ مطبوعات استان همدان»، مجموعه‌ای است که با تحقیقاتی پژوهشگر پرتلاش، «مجید فروتن» تهیه شده است. از خوانندگان و مخاطبان گرامی خواهشمندیم که در نقد و ایصال و تکمیل اثر، نویسنده و ناشر را یاری کنند و از داشته‌های خود بهره‌مند سازند. امید که با نشر بخش‌های مختلف فرهنگی، گامی کوچک در پاسداری فرهنگ این مرزوبوم برداریم.

سید محمد باقر حسینی

مدیر دانشنامه‌ی استان همدان (مرکز همدان شناسی)

ویسی حوزه هنری استان همدان

۱۳۹۹ تابستان

مقدمه

در عصر ارتباطات، مطبوعات از ابزارهای مهم ارتباط جمعی و محورهای اساسی توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه و همچنین معیارهای کارآمد سنجش و ارزیابی عملکرد فرهنگ و تقدن جوامع گوناگون به شمار می‌آید و زندگی انسان امروزی با آن معنا می‌یابد.

در بحث توسعه‌ی جوامع، در کنار مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، جامعه‌ای توسعه‌یافته محسوب می‌شود که در امر آموزش و اطلاع‌رسانی به سطح بالای رسیده باشد. در چنین جوامعی مطبوعات از جمله وسایل آموزشی و اطلاع‌رسانی محسوب می‌شوند که با تولید و توزیع اطلاعات و ارائه‌ی آموزش، نقش اساسی در امر بهره‌وری اجتماعی از طریق آگاهی‌های گوناگون را بر عهده دارند.

در عصر حاضر، مطبوعات به عنوان یک ابزار فرهنگی، قدرت گرینش‌گری افراد جامعه را ارتقا و در ادامه نیز گزینه‌های انتخاب مردم را گسترش می‌دهد و با این کار به فرایند توسعه‌ی انسانی در جامعه یاری می‌رساند (بسیر و چاپکی، ۱۳۹۳: ۶۹).

بهروزداری صحیح از مطبوعات در توسعه‌ی همه جانبه، نیازمند توجه بیش از پیش دست‌اندرکاران مطبوعات به مقتضیات زمان است و این امر هنگامی تحقق می‌پذیرد که با برنامه‌ریزی مناسب، به شناخت هرچه بیشتر موقعیت‌ها و فرصت‌ها پرداخته شود. در نتیجه می‌توان با ارائه‌ی تصویر واقعی از وضعیت کشور در کنار تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، آن را مورد ارزیابی قرارداد؛ چرا که مقوله‌ی مطبوعات نه تنها از تحولات جامعه جدا نیست، بلکه با همین تحولات و دگرگونی‌ها شکل می‌گیرد و مسیر و هدف آن مشخص می‌شود.

درباره‌ی اهمیت نشریات کهن، ذکر همین نکته کاف است که در کنار دیگر اسناد و مدارک تاریخ‌پژوهی، حاوی اطلاعات ارزشمندی از کنش‌ها و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه‌اند که ماهیت و ظاهر خود آن‌ها نیز از جمله منابع مهم تحقیق به شمار می‌آیند. با گردآوری اطلاعات، می‌توان گذشته را به دوران معاصر و آینده پیوند زد و آز گذشته و اقدامات فرهنگی نیاکان اطلاعاتی به دست آورد.

در تحقیق‌هایی با موضوع تاریخ، تمدن و فرهنگ همدان، آنچه به خوبی قابل مشاهده است، کمبود منابع و داده‌های اطلاعاتی است؛ تا آنجا که این بحث مهم و رویه‌ای کار را برای واکاوی گذشته بسیار سخت و گاه غیرممکن ساخته است. آنچه در راه تحقیق و بررسی اسناد و منابع و مأخذ تاریخی و اجتماعی در همدان، به ویژه دوره‌ی معاصر، قابل مشاهده است، نبودن مراکز آرشیوی غنی و منظم دولتی و خصوصی است. حتی در مراکز آرشیوی و نگهداری اسناد و مطبوعات کشور نیز که موضوع مباحث این مجموعه است، سهم مطبوعات و اسناد مربوط به همدان ناچیز است؛ به همین دلیل، گذشته و اقدامات فرهنگی و اجتماعی این دیار چندان محسوس نیست و تحقیق در این باب را بسیار دشوار ساخته است.

با همه‌ی این‌ها، ازویزگی‌های بارز کتاب حاضر، تلاش برای دسترسی به بخشی از اسناد و سوابق دولتی و اصل نشریات یا آرشیو اسنادی و مدارک نشریات است. شیوه‌ی کار نیز به این صورت بوده است که کوشیده‌ایم با دسترسی به اسناد به ویژه مجموعه و رؤیت هریک از نشریات، به خصوص شاره‌ی نخست آن‌ها، به توصیف و تحلیل نشریات هر دوره بپردازم؛ ضمن آنکه برای دستیابی به اطلاعات صحیح، به منابع دیگری در باب تاریخ مطبوعات کشور استناد کرده‌ایم. یادآوری این نکته ضرورت دارد که هنگام اشاره به نام و عنوان نشریه‌ها سعی شده عنوانی ذکر شود که در مجموعه، اسناد و اصل نشریات آمده است؛ به ویژه نشریات تخصصی که گاه از عنوانیں گوناگون استفاده کرده‌اند.

هدف اصلی نوشتار حاضر، به عنوان مجموعه‌ای مستقل در باب تاریخ مطبوعات همدان، به دست دادن اطلاعات و گردآوری داده‌های تاریخ مطبوعات همدان است تا آیندگان با دسترسی آسان به این منابع و نوشهای بتوانند به راحتی پایه‌های تحقیق و تحلیل فرهنگ و تاریخ این دیار را بشناسند و برگنای داده‌ها و نوشهای در باب قден و فرهنگ این دیار بیفزایند. همچنین تلاش کرده‌ایم با استفاده از اسناد به دست آمده، تاریخ اخذ مجوز و انتشار نشریات ذکر شود و جنبه‌ی علمی و مستند این نوشتار تقویت شود تا فتح الباب برای دیگر پژوهش‌ها و تحقیقات در این زمینه گردد.

در کتاب حاضر، تاریخ تحلیلی مطبوعات استان همدان از سال ۱۳۲۴ هـ ق تا ۱۳۹۷ هـ ش درسه فصل بررسی شده است. در فصل اول به اختصار پیشینه‌ی مطبوعات کشور و همدان و آثار موجود در این زمینه، همچنین نقش مطبوعات محلی در توسعه‌ی جامعه و وضعیت کنونی آن، وضعیت مطالعه‌ی مطبوعات در همدان بر اساس آمار و ارقام موجود بیان شده است. طرح این مطالب و ارائه‌ی اطلاعات اولیه و همچنین بیان اهمیت مطبوعات و نشریات محلی و ذکر پیشینه‌ی تاریخی این ابزار فرهنگی ضروری است. فصل دوم به حوزه‌ی تاریخ چاپ در همدان اختصاص یافته است که بسته اولیه‌ی توسعه‌ی مطبوعات به شمار می‌آید. در فصل سوم که بخش اصلی کتاب را دربرمی‌گیرد، تاریخ مطبوعات استان همدان در ادوار تاریخی قاجاریه، پهلوی و انقلاب اسلامی آمده است.

بخش اول از فصل سوم به مطبوعات دوره‌ی قاجار، از عهد مشروطه تا پایان دوره‌ی قاجار اختصاص دارد؛ این دوره سرآغاز تاریخ مطبوعات استان همدان محسوب می‌شود. در این بخش مشخصات و اطلاعات توصیف ۱۷ نشریه مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش شده با دسترسی به اصل نشریات و منابع و مأخذ موجود، اطلاعات دقیق پیرامون آن‌ها ارائه شود. در مراکز آرشیوی، نشریات این دوره بیشتر از دیگر دوره‌ها اهمیت داشته‌اند؛ به همین سبب اطلاعات کامل‌تری درباره‌ی نشریات عهد قاجار در مقایسه با ادوار دیگر وجود دارد.

بخش دوم از فصل سوم به نشریات دوره‌ی پهلوی اختصاص دارد. در این بخش، مشخصات ۵۲ نشریه بررسی و تحلیل شده است. هرچه به پایان این دوره نزدیک می‌شود، امکان دسترسی به برخی از این نشریات بیشتر ممکن شود؛ اما متأسفانه نشریات این دوره کمتر آرشیو و نگهداری شده‌اند. از امتیازات این دوره وجود اسناد و گزارش‌های فراوان مطبوعاتی است که در تکمیل اطلاعات نشریات از قامی این اسناد، چه آن‌ها که تا کنون منتشر شده‌اند و چه آن‌ها که منتشر نشده‌اند، استفاده شده است.

بخش سوم از فصل سوم نیز به نشریات همدان در دوره‌ی انقلاب اسلامی اختصاص دارد؛ در این بخش تعداد ۱۸۱ نشریه برسی شده است. امتیاز این دوره نسبت به ادوار دیگر دسترسی آسان به اصل نشریه یا مدیران آن هاست.

نکته‌ی قابل ذکر درباره‌ی تعداد نشریات در ادوار سه‌گانه اینکه همه‌ی نشریاتی که در همدان به طبع رسیده و یا از اداره‌ی مرجع در همدان مجوز دریافت کرده‌اند، در این آمار لحاظ شده‌اند. بنابراین، عناوین نشریات چاپ شده و حتی دارای مجوز استان همدان همین‌هاست که در کتاب حاضر فهرست و توصیف شده‌اند.

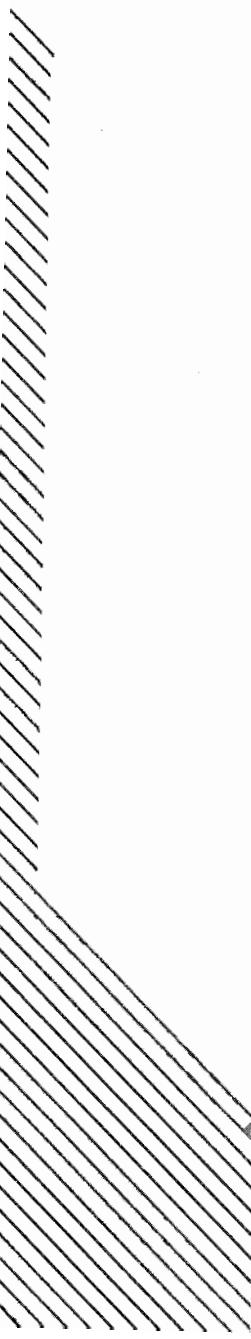
در پایان بر خود فرض می‌دانم از زجات همه‌ی دست‌اندرکاران مطبوعاتی استان و محققان این عرصه تقدیر و تشکر کنم و به راهنمایی خوانندگان فهیم امید بیتم؛ چرا که به قول حافظ شیرازی:

به کوی می‌کده گریان و سرفکنده روم
چرا که شرم همی‌آیدم ز حاصل خویش

والسلام.

مجدل غروتن، ۱۳۹۸

۱. همه‌ی مطبوعات دارای مجوزند؛ تفاوت در انتشار آن‌هاست. برخی نشریات تنها مجوز دریافت کرده‌اند، بدون آنکه چاپ و نشریافت باشند.



فصل اول

کلیات

پیشینه‌ی تحقیق

هنگام طرح موضوع و آسیب‌شناسی تحقیق در تاریخ مطبوعات سراسری و محلی ایران، آنچه باید بدان استناد و اشاره شود این است که محققان و پژوهشگران این حوزه همان راه و شیوه‌ای را برگزیده‌اند که دیگر منابع و مأخذ تاریخی و اجتماعی انجام داده‌اند و همان مطالبی را بیان کرده‌اند یا به نوشتار درآورده‌اند که در دیگر منابع و نوشه‌های نیزآمده است. این گروه از منابع، دیگر راه‌های جمع‌آوری اطلاعات تاریخی را کمتر پیموده و به دیگر پیشینه‌های تاریخ مطبوعات ولایات و ایالات یا همان تاریخ مطبوعات محلی به عنوان هسته‌ی مهم داده‌های اطلاعاتی امروز مطبوعات کشور، به طور کامل نپرداخته‌اند. به همین سبب، در این منابع و مأخذ به مشخصات نشریات محلی کمتر اشاره شده و دسترسی به اطلاعات این گروه از رسانه‌ها را نیز به مراتب دشوارتر کرده است.

در پژوهش تاریخی و اجتماعی مطبوعات، داده‌ها و پیشینه‌ی تاریخی نشریات محلی می‌تواند به نتیجه‌گیری مستند و کامل‌تری بینجامد؛ از این‌رو، توجه به تاریخ محلی یک جامعه، نظری تاریخ مطبوعات محلی، اهمیت خود را بیش از پیش نشان می‌دهد. بی‌رغبتی به تاریخ‌نگاری محلی از سوی محققان و پژوهشگران سبب کمبود اطلاعات محلی و عدم تکمیل

اطلاعات ملی و سراسری تاریخ مطبوعات شده است.

تحقیق درباره تاریخ ادواری مطبوعات و جراید، به تحلیل‌های امروزی رسانه‌ها یاری می‌رساند و پشتونهای غنی برای تحقیقات آینده ایجاد می‌کند. علاوه براین، خود مطبوعات می‌توانند مهم‌ترین منبع داده‌های تاریخی و تحلیل تاریخی و اجتماعی باشند. به همین منظور، اشراف بر سایه و عملکرد جراید، هم نقش و وظیفه‌ی این رسانه را در بحث توسعه‌ی فرهنگی جامعه بازگو می‌کند و هم در برگیرنده اطلاعاتی درباره اقدامات گذشته‌ی جوامع است که می‌توان بدان رجوع کرد.

با وجود آنکه در باب فهرست، مشخصات و اسناد مطبوعات، منابع و کتب متعددی به نگارش درآمده و نشریات فراوان هم از گذشته در مرکز آرشیوی نگهداری می‌شود، اما مشکل عمدی این دست کتب و نوشته‌ها در حوزه مطبوعات ولایات و ایالات این است که اغلب به ذکر مشخصات نشریاتی پرداخته‌اند که معروف تربوده‌اند یا در نوشته‌ها و منابع دیگر آمده‌اند یا دسترسی به آن‌ها آسان تربوده است. ضمن آنکه نوشته‌ها و اطلاعاتِ اغلب این منابع، مشترک و تکراری است و کمتر منبعی می‌توان سرگرفت که غیر از این اطلاعات تکراری و خلاصه‌وار، به ذکر اطلاعات جدید و کامل پرداخته باشد یا گفتار و تحلیل‌های تازه و بیشتری داشته باشد و به معرفی نشریات گمنام ولایات و ایالات پرداخته باشد.

به کتاب‌ها و تحقیقات متعددی از این دست می‌توان اشاره کرد. در کتاب چهاری مطبوعات معاصر تأليف غلام‌حسین صالح‌یار، فهرستی از مطبوعات همدان درج شده است که در منابع دیگر مشاهده نمی‌شود. البته در این فهرست نام نشریاتی هم به چشم می‌خورد که با وجود اخذ مجوز، هرگز انتشار نیافتد و اطلاعات‌شان نیز ناقص است.

کتاب دو مجلدی راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۵۷-۱۳۴۰)، تأليف سید محمد صدری طباطبائی نائینی است که مشخصات برخی نشریات همدان را به طور خلاصه آورده است؛ اما حاوی همه نشریات همدان در این دوره نیست و گاه برخی نشریات همدان به تهران منسوب شده است.

از آثار تحقیقی پژوهش‌سید فرید قاسمی در حوزه تاریخ مطبوعات ایران، همچون راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار، راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۵۷-۱۳۷۱)، تاریخ شفاهی مطبوعات ایران، تاریخ مطبوعات ایران، رویدادهای مطبوعاتی ایران (۱۳۸۲-۱۲۱۵) و اولین‌های مطبوعات ایران می‌توان به اطلاعات فراوانی درباره نشریات همدان دست یافت. هرچند این اطلاعات مختصر است و مشخصات همه نشریات ادواری همدان را در برگرفتی نمی‌گیرد، اما می‌تواند منبع اولیه‌ی تاریخ نشریات شهرهای ایران باشد.

بخشی از کتاب‌شناسی همدان تألیف پرویزادکائی به معرف نشریات همدان اختصاص یافته که البته تنها شامل مشخصاتی از قبیل تاریخ انتشار و نام مدیران جراید به صورت مختصر است. این اثر از جمله منابع موثق در باب تاریخ مطبوعات است، اما اطلاعات آن درباره نشریات همدان در دوره‌ی انقلاب اندک است. علاوه بر این کتاب، مقالاتی از اذکائی در باب نشریات همدان در جراید کشوری و استانی منتشر شده است که در آن‌ها نشریات ادوار تاریخی همدان با نگرشی تحلیلی، تشریح و بررسی شده‌اند و بیشتر حاوی تحلیل نشریات و صاحبان آن هاست.

از قاسم بنا، حقق و پژوهشگر تاریخ مطبوعات همدان، مقالات در نشریات محلی منتشر شده که به معرفی مطبوعات این دیار پرداخته است؛ مانند سلسله مقالات «تاریخچه‌ی پنجاه سال مطبوعات ایران» که در نشریه‌های رستاخیز و ندای میهن به چاپ رسیده است. افزون بر این، مجموعه‌ای مستقل از وی بر جامانده که تا کنون منتشر نشده و امید است با انتشار آن، اطلاعات پیرامون نشریات همدان تکمیل شود.

عبدالرحیم ذاکرحسین در مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت بیشتر به حوادث، اقدامات، قوانین و شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر مطبوعات عصر مشروطه پرداخته و مشخصات و عنوانی نشریات را چندان مدنظر قرار نداده است.

در تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف سید محمد صدر هاشمی، مشخصات جراید و مجلات ایران از جمله برخی نشریات همدان به تفصیل ذکر شده است. از امتیازات بارز این کتاب، تشریح و توصیف مطالب مربوط به تاریخ مطبوعات است که در آن برخی نشریات همدان به ویژه نشریات دوره‌ی قاجار به صورت مبسوط آورده شده‌اند.

کتاب تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران تألیف سید احمد محیط طباطبایی نیز به تحلیل جراید گذشته‌ی ایران پرداخته است؛ اما اطلاعات آن پیرامون مطبوعات همدان ناچیز است که آن‌هم تکرار نوشته‌های دیگر منابع است.

در کتاب شناسنامه‌ی مطبوعات ایران از سال ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی تألیف مسعود بزرین، برخی نشریات همدان به طور خلاصه معرف شده‌اند که البته تکرار مطالب منابع دیگر است. بیشترین اطلاعات کتاب در باب نشریات همدان نیز مربوط به دوره‌ی پهلوی است.

در سال ۱۳۸۴ کتاب راهنمای اسناد مطبوعات استان همدان از آغاز تا سال ۱۳۸۴ از نگارنده منتشر شد. نوشتار حاضر ادامه‌ی همان کتاب است که به شیوه‌ی تحلیلی و توصیفی، جراید همدان را از آغاز تا سال ۱۳۹۷ بررسی کرده است.

دو کتاب هم از نویسنده‌گان غیرایرانی انتشار یافته که مشخصات برخی نشریات محلی همدان را ذکر کرده‌اند؛ یکی صورت جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است تألیف ی. ل. رابینو¹ و دیگری کتاب تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره‌ی مشروطیت اثر ادوارد براون² که البته اطلاعات چندانی پیرامون نشریات همدان به دست نداده‌اند. آنچه از نشریات همدان در این دو کتاب ذکر شده احتمالاً محصول مشاهدات آن‌هاست.

خاطرات و یادداشت‌های به جامانده از برخی بزرگان و شاهدان نیز بخش عمدت‌های از منابع این نوشتار را تشکیل می‌دهند. خوشبختانه خاطرات و یادداشت‌های بسیاری موجود است که می‌توان از آن‌ها اطلاعاتی درباره‌ی نشریات همدان به دست آورد. این گروه از منابع بیشترین اطلاعات را درباره‌ی نشریات آغازین همدان دارند و تمامی مطالب آن‌ها قابل استناد است. یکی از این منابع، خاطرات و اسناد ظهیرالدوله است که به کوشش ایرج افشار چاپ شده است. ظهیرالدوله حاکم همدان در عصر ناصرالدین‌شاه بود و به همین سبب، خاطرات او حاوی منابع و اسناد تاریخی ارزشمندی از دوره‌ی قاجار است. این کتاب سرچشممه‌ی اطلاعاتی است که دیگر منابع درباره‌ی نشریه‌ی عدل مظفر، به عنوان اولین نشریه‌ی همدان، ارائه کرده‌اند. خاطرات فرید[الملک] همدانی³ نیز از دیگر منابع این دسته به شمار می‌آید که اطلاعات درباره‌ی نشریات عهد قاجار را تکمیل می‌کند.

در کنار خاطرات و گزارش‌ها، خود نشریات مورد نظر از مهم‌ترین مأخذ معتبر و دست اول در این گونه تحقیقات به شمار می‌آیند که حجم اطلاعاتی فراوانی دارند؛ اما دسترسی به همه‌ی نشریات محلی کهن غیرممکن است.

شماری از منابع این تحقیق، اسناد و گزارش‌هایی است که برخی در قالب مجموعه‌ها منتشر شده‌اند و برخی به صورت پراکنده در مراکز دولتی و خصوصی نگهداری می‌شوند. این منابع اطلاعات مهمی دارند که علاوه بر تکمیل اطلاعات قبلی، می‌توانند در تحلیل نشریات تأثیرگذار باشد. در کتاب‌های اسنادی از مطبوعات ایران (۱۳۲۰-۱۳۴۰)، اسنادی از مطبوعات ایران و دولت کودتا (۱۳۳۲-۱۳۳۴)، اسناد مطبوعات ایران (۱۳۳۲-۱۳۲۰) و اسناد مطبوعات (۱۳۲۰-۱۲۸۶) در دو جلد، اسناد و گزارش‌هایی درباره‌ی نشریات همدان ارائه شده است. این اسناد و مدارک بیشتر شامل درخواست‌ها، مجوزها و گزارش عملکرد نشریات و تحلیل آن‌ها از سوی نهادهای دولتی و نظارتی است.

1. Hyacinth Louis Rabino

2. Edward Granville Browne

استاد و گزارش‌هایی نیز درباره مطبوعات همدان در «مرکز اسناد و کتابخانه‌ی ملی استان همدان» نگهداری می‌شود که تا کنون منتشر نشده و سعی شده است در این مجموعه مورد استفاده قرار گیرد. در مرکزی نظیر کتابخانه‌ی مجلس، کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی و مرکز پژوهش‌های آستان قدس رضوی هم برخی نشریه‌های کهن، به خصوص نشریات متعلق به دوره‌ی قاجار و پهلوی همدان، نگهداری می‌شود که با دسترسی بدان‌ها اطلاعات دقیق و بیشتری به دست می‌آید.

تاریخچه مطبوعات در ایران

روزنامه و نشریه از ارمنان‌های اروپا بود که از دوران قاجار به مرزهای ایران رسید و ایرانیان برای اولین بار با این ابزار فرهنگی توسط بیگانگان، آزادی‌خواهان و دانشجویان اعزامی به فرنگ آشنا شدند. به تدریج هنگامی که مقدمات چاپ و نشر در ایران فراهم شد، روزنامه نیزان‌انتشار یافت.

نخستین نشریه در ایران به نام کاغذ اخبار در سال ۱۲۵۲ هـ ق در تهران و در یک صفحه به دست میرزا صالح شیرازی فسایی چاپ و منتشر شد که از دانشجویان اعزامی به فرنگ بود و در رشته‌ی صنایع چاپ تحصیل کرده بود. بعد از این نشریه، در زمان ناصرالدین شاه هفته‌نامه‌ی روزنامه‌ی دارالخلافه‌ی طهران در سال ۱۲۶۷ هـ ق به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر و به مدیریت و سردبیری حاج میرزا جبار تذکرہ‌چی با همکاری اداره برجیس چاپ و توزیع شد که البته از شماره‌ی دوم به وقایع اتفاقیه تغییر نام یافت.

از زمان انتشار اولین روزنامه‌ی ایران نزدیک به دو قرن می‌گذرد که در مقایسه با قدمت مطبوعات کشورهای اروپایی و حتی آسیایی کوتاه‌تر است. در همین عمر کوتاه مطبوعات در ایران، نشریات و جراید بسیاری در کشور پا گرفته‌اند و مدقی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور زیسته‌اند؛ اما سرانجام در برده‌ای به خاموشی گراییده یا جای خود را به نشریات دیگرداده‌اند.

در عصر مشروطه، نشریات داخلی و خارجی در ایجاد آمادگی برای پذیرش مشروطه و ورود به شرایط اجتماعی - سیاسی جدید، پیروزی قانون و آشنا ساختن مردم با ترق و پیشرفت کشورها نقش عمده‌ای ایفا می‌کردند. در این دوره هر کس حق انتشار افکارش را یافت؛ به گونه‌ای که در دو سال اول مشروطتی و حتی پس از آن ۱۵۰ نشریه منتشر شد (متین، ۱۳۸۲: ۱۴۸). عموماً این نشریات انقلابی و آزادی‌خواه بودند و برای اولین بار در تاریخ ایران، شهرهای همچون مشهد، همدان و بوشهر دارای نشریه شدند (ذاکرحسین، ۱۳۷۰: ۵۲).

این نشریات مردم را به چند موضوع مهم مانند تعلیم و تربیت، تقدیر جدید، عدل و قانون، نظام و ترتیب، عبرت از کارژاپن، تذکر مفاخر، اخوت اسلامی و سیاست روس و انگلیس در آسیا دعوت می‌کردند (مطبوعات در عصر مشروطه، ۱۳۸۶، رسالت، ۱۴ مرداد).

در این دوران، مطبوعات به عنوان یک رکن اجتماعی شناخته شدند و با ترویج افکار آزادی خواهانه و اطلاعات جدید، در قالب کالای جدید انتقال دانش و آگاهی بین عامه درآمدند. بدین ترتیب اقدامات حکمرانان قاجار و عوامل ضد مشروطه در سرکوب مطبوعات بی‌نتیجه ماند و می‌توان گفت از سه عامل مهم انقلاب مشروطه، یعنی روحانیون و خطیبان سیاسی و روزنامه‌نگاران، بهترین برداشت و سود اجتماعی عاید فعالان مطبوعاتی شد (ذاکر حسین، ۱۳۷۰: ۵۳).

درهیاهوی مشروطه خواهی و آزادی بیان به فاصله‌ی ۲۲ سال از انتشار کاغذ اخبار، اولین نشریه‌ی همدان به نام عدل مظفر در سال ۱۳۲۴ ه.ق. منتشر شد و بعد از آن به یک باره تعداد نشریات در همدان سیر صعودی پیمود. یک سال بعد، پنج نشریه به نام‌های اکباتان اول، اکباتان، الفت، سعادت و همه‌دان در همدان انتشار یافتند که البته هیچ‌یک تداومی نداشتند. هم‌زمان با دوره‌ی استبداد صغیر و شکل‌گیری حکومت استبدادی محمد علی شاهی در سال ۱۳۲۶ ه.ق. نشریه‌ای در همدان منتشر نشد؛ اما در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ ه.ق. دونشریه به جمع نشریات همدان افزوده شد که گراشی‌های مشروطه طلبانه و آزادی خواهانه داشتند.

از ویژگی‌های نشریات دوره‌ی مشروطه‌ی همدان باید به این موارد اشاره کرد: ذکر اخبار شهر در کنار حوادث داخلی و خارجی، اخبار مشروطه و مجلس، نقل و ذکر صرف حوادث و اخبار و عدم توجه به تحلیل و بررسی مطالب، کاربرد نثر مصنوع به جای استفاده از زبان مردمی، عمر کوتاه و تعلق به تشکل‌های صنف و طبقات. معمولاً نشریات این دوره در شکل و قطع نامناسب و غیر معمول در دو یا چهار صفحه منتشر می‌شدند. بیشتر دست‌اندرکاران آن‌ها از افراد آزادی خواه و مبارز بودند و اخبار و عقاید ارگان و صنف خود را معرف و انعکاس می‌دادند. با وجود اینکه اکثر صاحبان جراید همدان از مسلک دموکرات - سوسیال پیروی می‌کردند، معتقد به شعار حریت، برابری و برادری بودند. آن‌ها مدعی حمایت از اسلام فارغ از موهوم پرستی و افکار ارجاعی بودند (متین، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

شکل‌گیری مطبوعات و نشریات، انگیزه‌ی اقتصادی و تجاری داشت و تجار برآن بودند که به معرف خود و کالا و خدماتشان پردازند و اخبار اجنباس و کالای خود را به دیگران نقاط دور و نزدیک برسانند. از طرفی خاستگاه طبقات نشریات آغازین همدان نیز از عهد مشروطه تا پایان قاجار، بازار و تجار بود؛ چنان‌که مؤسسان نشریات نخستین همدان از جرگه‌ی تجار

و بازرگانان و طیف بازار بودند و اغلب با هدف برقراری ارتباطات اجتماعی و جلب منافع اقتصادی به نشر روزنامه می پرداختند؛ اما باید گفت هدف اصلی والویت آنان در این اقدام صرفاً اقتصادی نبود و اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی زمانه، مبارزه‌ی صنفی و عقیدی و آگاهسازی و اصلاح امور مملکت، الویت این اقدام فرهنگی را تشکیل می‌داد و شاید اوضاع و احوال آن‌ها کمتر اجازه‌ی اولویت اقتصادی و منافع پولی می‌داد. علاوه بر این موضوع، هدف عمدی آن‌ها تغییر الگوهای سیاسی و اجتماعی جامعه بود تا بتوانند تغییر سیستم‌های مدیریت بازار و تجارت شهر و منطقه را به دست بگیرند.

برپایه‌ی آمار متعلق به سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ هـ پیداست که در عهد مشروطه با گسترش و شدت یافتن انتشار مطبوعات، ۷۲٪ از نشریات کشور در منطقه‌ی غرب، یعنی همدان و کرمانشاه و بروجرد منتشر می‌شد (جبارلوی شبستری، ۱۳۸۳: ۲۶۴)؛ اما اطلاعات دقیق ترنشان می‌دهد که شمار نشریات همدان بیش از رقم ذکر شده است.

پس از تاریخ پیش‌گفته، اطلاعات آماری در دست نیست؛ بنابراین، سخن گفتن در این باب راه به جای خواهد برد. ولی از اواخر دهه‌ی ۸۰ به این سو، آمار و اطلاعات دقیق در دست است؛ چنان‌که براساس گزارش کتاب جامع مطبوعات ایران، که به مناسبت هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات در آبان ۱۳۹۰ منتشر شد، تعداد نشریات استان ۳۳ عنوان ذکر شده است که نشان می‌دهد همدان در بین ۳۱ استان از لحاظ تعداد نشریه‌ی رتبه‌ی هجدهم را دارد. با وجود آنکه این آمار تمامی نشریات اعم از روزنامه، هفتنه‌نامه و دوهفتنه‌نامه، ماهنامه و فصلنامه و نشریات عمومی و تخصصی مجامع علمی و آموزشی رانیز دربر می‌گیرد که بر اساس داده‌های ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها گردآوری شده است، اما این آمار دقیق نیست؛ زیرا برخی نشریات هم که منتشر فی شوند و تعطیل شده‌اند و همچنین تعدادی نشریه که به تهران منتقل شده‌اند و دیگر در همدان انتشار نیافته‌اند، در این آمار لحاظ شده‌اند.

در این گزارش، نشریات تخصصی همدان ۱۰ عنوان ذکر شده است. در حالی که آمار نشریه‌های تخصصی با رویکرد جدید متعلق به مراکز علمی و دانشگاهی بیش از تعداد ذکر شده است. همچنین در مقایسه با دیگر استان‌ها، آنچه در باب مطبوعات محلی قابل مشاهده و تأمل است، افزایش نشریات روزانه در استان‌ها، فعال شدن نشریات تخصصی و وجود نشریه‌ی محلی در اغلب شهرهای است. براساس آمار سایت «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، استان همدان با تعداد ۶۸ نشریه‌ی دارای عجز و ۲۹ نشریه‌ی در حال انتشار، رتبه‌ی پانزدهم را در بین استان‌های کشور دارداست.

نقش مطبوعات محلی در توسعهٔ جامعه

هرچند مطبوعات به عنوان یک رسانه‌ی جمعی از لحاظ نوع و ظاهر از دیگر رسانه‌ها متمایز می‌شوند، اما کارکردشان با کارکرد رسانه‌های جمعی یکسان است. اطلاع‌رسانی، تغییرافکار و نگرش‌ها، آموزش، ارتقای سطح فرهنگی، آگاهسازی، تنظیم و تصحیح رفتار و روابط جمعی، سرگرمی و تفریح و ایجاد هبستگی اجتماعی از کارکردهای اصلی و فرعی مطبوعات در عهد حاضرند؛ چنان‌که خواندن آن به‌نوعی به پیش‌نیازی برای آگاهی از اوضاع بدل شده است و مدلی که آن‌ها در درون خود ارائه می‌دهند، فهم اطلاعاتی است تا بدانیم در جهان پیرامونی چه روی می‌دهد (دانسی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

از دیگر کارکردها و رفتارهای مطبوعات، بازگایی واقعیت‌ها و رخدادهای اجتماعی است. این یک اصل مهم در رسانه است و باید دانست که یکی از وظایف مهم رسانه، نشان دادن واقعیت براساس منافع خود رسانه است (نشست تخصصی ضرورت‌های...، ۱۳۹۳: ۱۱۲). در وسعتی کمتر این رسالت و کارکرد مطبوعات، رسالت نشریات محلی را هم تشکیل می‌دهد که فقط در قلمرو جغرافیایی محدود و انعکاس بیشتر اخبار و حوادث یک منطقه، از مطبوعات سراسری متمایز می‌شوند و پیشینهٔ اطلاعاتی گستردۀای به اخبار محلی و منطقه‌ای می‌دهند و تلاش می‌کنند تا حدودی جای خالی دیگر ابزارهای فرهنگی چون فیلم و کتاب و... را در این مناطق پرکنند و تأثیر فرهنگی و اجتماعی خود را به جا بگذارند (همان، ۱۴۲۳).

مداومت انتشار و پخش اطلاعات از جمله ویژگی‌های دیگر مطبوعات است که سبب می‌شود نیازها و علایق مخاطبان به اطلاعات را در هر زمان که آن‌ها مایل باشند و شرایط اجازه بدهد، برآورده سازند و آخرين اخبار و اطلاعات را به مخاطبان ارائه دهند. فقدان مداومت و نامنظمی در انتشار پیام نزد ارتباطات سنتی، سبب می‌شود که برخی کارکردهای ارتباطی مانند کارکرد اطلاع‌رسانی آن‌ها، مطلوب مخاطبان نباشد و برخی علایق و نیازهای آنان را به خوبی پاسخ ندهد (کاشانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). همچنین در زمانی که شاهد افزایش چشمگیر و تنوع و تعدد رسانه‌های نوین هستیم، مطبوعات همچنان به دنبال شکل‌دهی به افکار عمومی و ایجاد مشارکت برای پیشرفت جامعه‌اند تا به عنوان یک تولیدکنندهٔ فرهنگی، نقش رهبری فکری در تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی را بر عهده داشته باشند. این جایگاه بالای مطبوعات را در بین دیگر رسانه‌ها می‌توان در افزایش تعداد، رشد کیفی و کیفی و افزایش اقبال عمومی به مطبوعات محلی به خوبی مشاهده کرد.

البته با سربرازدن ابزارهای ارتباط جمعی امروزی، پذیرش بی‌چون و چرای این سخنان دشوار می‌نماید. ولی همه‌ی آن‌ها را می‌توان به عنوان کارکرد اولیه پذیرفت.

همچنین مطبوعات ارزش‌ها و میراث غنی ما را منتقل می‌کنند. در پی انتقال تجربیات گران‌بهاست که گذشته به حال و آینده متصل می‌شود تا اطلاعات و تجربیات جدید، برآگاهی ما درباره‌ی گذشته بیفراید. هرچه اطلاعات بیشتری از گذشته داشته باشیم، حصول به توسعه‌ی فرهنگی آسان‌تر می‌گردد و سبب می‌شود تا مطبوعات و نشریات محلی به عنوان حافظ و ناظرستن، خرد فرهنگ‌ها، الگوهای سنتی و بومی، باورها و ارزش‌های موجود جامعه رانگهداری و احیا نمایند و موجب آشنایی نسل کنونی جامعه با گذشته‌ی خود گرددند. براین اساس، مطبوعات محلی با دسترسی به فرهنگ‌های مختلف محلی عهده‌دار ترویج فرهنگ خودی در مقابل فرهنگ بیگانه می‌شود و به گسترش و تبیین اعتقادات و ارزش‌های مورد نیاز جامعه و خانواده می‌پردازد.

با توجه به این مباحث، برای رسیدن مطبوعات به جایگاه واقعی خود لازم است کارکردهای آن‌ها را در عرصه‌ی آموزش، اطلاع‌رسانی و ترویج دانش‌های نوین گسترش داد و به نقش آن‌ها در توسعه‌ی جوامع توجه کرد. همچنین با شناخت جایگاه مطبوعات در جامعه‌پذیری و ارائه و انتقال محتواهای فرهنگی به جامعه، به تدوین و سیاست‌گذاری مناسب در جهت استفاده‌ی مناسب از آن‌ها پرداخت و در جهت تقویت فرهنگ و پالایش عناصر فرهنگی نیز برای ارتقای فرهنگی جامعه و انتقال میراث فرهنگی به نسل آینده کوشش کرد تا شکاف نسلی، که حاصل متغیرهای بسیاری از جمله نفوذ و رخنه‌ی رسانه‌ها در فرهنگ و جامعه است، کاهش پیدا کند و یا اصلاً به وجود نیاید (ساعی، ۳۰: ۱۳۸۹). در مقابل، از مطبوعات محلی نیز انتظار می‌رود که به شکلی منطقی بر جهت‌گیری مخاطبان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار بوده و سعی نمایند ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای را که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در جامعه ترویج می‌کنند، با تعالیم آسمانی اسلام و مصالح ملی همخوان گردد (رصد فرهنگی...، ۵۴: ۱۳۸۸). در عصر حاضر، جامعه‌ای توسعه‌یافته تلقی می‌شود که بتواند در کنار شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، بر معیار آموزش و اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی تأکید کند. در چنین جامعه‌ای، مطبوعات با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقشی مؤثر در افزایش آگاهی‌های گوناگون و ضروری بر عهده‌ی می‌گیرند و جامعه را در نیل به تعالی و ترق همه‌جانبه یاری می‌کنند. مطبوعات در زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگی می‌توانند عامل آمیختگی، توازن و پیوند باورهای اصیل اعتقادی جامعه باشند و باعث پویایی افکار شوند. واقعیت این است که توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی به آموزش و آگاهسازی و آماده کردن افکار عمومی برای بهره‌برداری از امکانات مادی و معنوی و ارتقای سطح بینش افراد

نیاز دارد. در این میان مطبوعات، به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه‌ی جامعه، می‌توانند با کارکردهای گوناگون خود به توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جامعه کمک کنند و در پی آن، خود نیز رشد و توسعه یابند. شکل‌گیری این ارتباط دوسویه و توجه به رسانه‌ها برای ارائه‌ی فعالیت‌های فرهنگی، ترویجی و آموزشی موجب نشاط و حرکتی سازنده است؛ اما بدون تردید بی‌توجهی به علل پیدایش و تداوم نارسایی‌ها و ناپیوستگی‌های تاریخی رسانه‌ها، موجب خواهد شد این توان بالقوه و زمینه‌ی فراهم‌آمده نیزبهره و نتیجه‌ی مطلوب را در پی نداشته باشد.

بی‌تردد معیار سنجش شکوفایی یا رکود مطبوعات صرفاً رشد کمی نشریات نخواهد بود، بلکه چگونگی نفوذ و تأثیر رسانه‌ها در سطوح مختلف جامعه، محتوا و مضمون پیام، تنوع و خلاقیت و پاسخ‌گویی به نیازهای جدی از جمله ضرورت‌های فرهنگی و اولویت‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مطبوعاتی کشور باید باشد تا به وسیله‌ی جراید به عنوان یک رسانه‌ی سودمند، ارزان و قابل دسترس برای بالا بردن سطح آگاهی افراد و افزایش عنصر دانایی جامعه اقدام نمایند (نقش مطبوعات در توسعه‌ی فرهنگی، ۱۳۹۲، ایران، ۱۷ فروردین).

با وجود پیش‌رفت‌های فراوان در رسانه‌های جمعی، هنوز هم در بین جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، میزان مطالعه‌ی مطبوعات و تعداد آن ملاک توسعه‌ی هر جامعه‌ای شناخته می‌شود. جراید به سبب برخورداری از ویژگی‌هایی همچون فراوانی، نقل صحیح و دقیق اخبار، اختصار و تنوع مطالب و سادگی زبان می‌توانند طیف گسترده‌ای از اشاره‌های مختلف جامعه را تحت پوشش اطلاعاتی خود قرار دهند و نیز به واسطه‌ی مقبولیتی که می‌توانند در میان مردم ایجاد کنند، قادر خواهند بود وسیله‌ی مناسبی برای انتقال آگاهی‌های مختلف به ذهن و خاطر مردم و تصحیح روابط و ضوابط موجود در جامعه باشند.

به تدریج بالا رفتن بینش سیاسی و اجتماعی جامعه، نقش مطبوعات به عنوان یک رسانه‌ی مهم و تأثیرگذار بیشتر می‌شود و اشتیاق اشاره‌های مختلف جامعه به مطالعه‌ی آن را افزایش می‌دهد. اگر حضور همانه‌نگ و یکپارچه‌ی مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی را نشانه‌ی بالا بودن سطح فرهنگ عمومی بدانیم، آن‌گاه می‌توانیم بگوییم که این امر با آزادی و تنوع و تعداد و حتی تیراز جراید رابطه‌ی مستقیم و معنادار دارد؛ چرا که جراید از بدو پیدایش، نقش مهم و مؤثری در تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه داشته‌اند.

علاوه بر مطالب بالا، مزایای دیگری هم می‌توان برای مطبوعات، به ویژه مطبوعات محلی، بر شمرد. از جمله ایجاد عادت مطالعه، آن هم در عصری که عدم مطالعه و توجه به مطبوعات از بزرگ‌ترین دغدغه‌های فرهنگی جامعه به شمار می‌آید. این مزیت می‌تواند

خوانندگان جراید را به سوی مطالعه‌ی مفید و مستمر سوق دهد و تأثیر بیشتری بر فرهنگ مطالعه داشته باشد.

همچنین مطبوعات می‌کوشند با فراهم آوردن یک پشتونه‌ی همگانی علمی و فکری برای عموم مردم در جهت همبستگی و آگاهی اجتماعی آن‌ها بتوانند با استفاده از آن به طور فعال در زندگی عمومی مشارکت داشته باشند (کاشانی، ۱۳۹۰: ۹۱). تحول مطبوعات در جامعه و مجدهز شدن به ابزارهای نوین نیز در مشارکت اجتماعی سبب می‌شود برشیوه‌های تجربه‌ی افراد در زندگی اجتماعی و افزایش مشارکت‌های عمومی تأثیرگذار باشند. ارتباطات جمعی به عنوان یک نهاد اجتماعی با دیگر نهادهای موجود در جامعه روابط دوسویه و متقابل دارند؛ بدون شک این نهاد اجتماعی در روند تغییرات اجتماعی و رشد اقتصادی، عامل مهمی تلق می‌شود.

ارتباطات به معنای عام، نشانگر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در یک جامعه‌ی مشخص است. تعامل اجتماعی که میان افراد و در نهایت با مشارکت رخ می‌دهد، در اصل فرآیند توسعه، رابطه‌ی معناداری با تعامل میان مردم و مشارکت فعال گروه‌های مختلف اجتماعی یک جامعه دارد و این موضوع هیچ‌گاه محقق نمی‌شود مگر اینکه ساختار ارتباطی همچون رسانه و مطبوعات بتواند تا حد زیادی تضادهای موجود در ارزش‌ها و رفتارهای مردم و فراهم آوردن محیط مساعد برای توسعه‌ی جامعه‌ی محلی و منطقه‌ای مؤثر باشد.

این پدیده در جوامع در حال توسعه یا کمتر رشد یافته، به دلیل بومی نبودن و نهادینه نشدن وسایل ارتباطی مدرن و برخورد آن با وسایل ارتباط سنتی، به عنوان نیروی اجتماعی فعال، مسائل و مشکلات کم و بیش مشابهی را پدید آورده است. نظریه پردازان آگاهی مردمان را از توانایی‌های خود و نیز روابط حاکم بر خویش برای فراگرد توسعه امری اساسی می‌دانند و معتقدند که این مهم از طریق رسانه‌ها و دانش ارتباطات امکان‌پذیر است (ریاحی، ۱۳۸۵: ۱۸). به این ترتیب به نظر می‌رسد که بین پیام‌آفرینان مطبوعات و مخاطبان آن، که هردو رهبران فکری جامعه محسوب می‌شوند، ائتلاف شکل گرفته است که بی‌تردد در گردونه‌ی مناسبات اجتماعی سهم و تأثیر چشمگیری دارد. علاوه بر این، نقش نظاری مطبوعات در جامعه‌ی مبتنی بر عقل جمعی، باعث شده است تا این رسانه رکنی از ارکان جامعه‌ی مدنی شناخته شود. در واقع مطبوعات، به مثابه عقل مستقل جامعه، ابزار مهمی در ایجاد رابطه و گسترش فضای گفت‌وگوی سه‌سویه میان دولت، نخبگان و مردم به شمار می‌آید (رصد فرهنگی...، ۱۳۸۸: ۵۴).

در باب نقش مطبوعات محلی، در کنار کارکردهای نشریات سراسری، باید گفت که این دسته از مطبوعات به طور کلی نقش مهمی در بازار نیازها و مشکلات جامعه‌ی یک منطقه‌ی جغرافیایی داشته و رشد و پویایی آن‌ها به توسعه‌ی مطبوعات سراسری می‌انجامد و افزایش توجه مخاطبان به این‌گونه نشریات، افزایش خوانندگان و مخاطبان نشریات سراسری را در پی دارد. نشریات محلی به عنوان یک ابزار فرهنگی بومی، در مقایسه با دیگر رسانه‌ها همچون مطبوعات سراسری، به دلیل دسترسی آسان به آن‌ها از اقبال مردمی بیشتری برخوردارند و به نوعی رسانه‌ی عمومی‌تری به شمار می‌آیند که صاحبان این رسانه باید از این پشتونه‌ی مردمی برای تأثیرگذاری و مخاطب پسندی به خوبی استفاده کنند.

اما در کنار امتیازات مثبت نشریات محلی، این گروه از رسانه‌ها به دلایل ضعف بنیه‌ی اقتصادی و مالی، ساختار مدیریتی و اجرایی و نگاه سنتی از وضعیت مناسبی در استان‌ها و شهرستان‌ها برخوردار نیستند و این دلایل سبب شده است تا مطبوعات محلی نتوانند چندان به رسالت و کارکرد اصلی خود نزدیک شود. کلی‌نگری و یک‌سویه‌نگری از دیگر مشکلات امروزی این رسانه به شمار می‌آیند؛ به طوری که برای مردم منطقه همیشه تازگی نداشته و همان اخبار تکراری روزنامه‌ها و رسانه‌های سراسری را با ظاهری همیشگی تکرار می‌کنند و نوآوری و به روز بودن آن‌ها در مقایسه با سرعت دیگر رسانه‌ها کم است. این دلایل باعث شده است که مطبوعات محلی بیش از دیگر رسانه‌ها به توجه و حمایت متولیان نیازمند باشند تا بتوانند در این میدان باقی‌مانند و به رسالت واقعی خود عمل کنند. کمبود نیروهای حرفه‌ای و متخصص در نشریات محلی و فقدان آموزش‌های لازم مطبوعاتی و عدم تجهیز به منابع، از دیگر مسائل روز مطبوعات محلی است.

آنچه در مطبوعات محلی به خوبی قابل مشاهده است، توجه بیشتر مدیران این گروه از رسانه‌ها به ابزارهای سنتی و غلبه‌ی نگاه سنتی به حرفه‌ی مطبوعات است. اصحاب جراید محلی به ندرت به دنبال کسب دانش نوین و تجهیز به آن هستند تا بتوانند مخاطبان را با خود همراه کنند.

درباره‌ی مطبوعات محلی ذهنیت‌های منق نیز شکل گرفته است. عده‌ای آن‌ها را متأثر از رسانه‌های ملی و بین‌المللی می‌دانند و عقیده دارند که نشریات محلی به نوعی همانند یا مختصرشده‌ی همان نشریات سراسری‌اند؛ اما باید در نظر داشت که فضا و شرایط هریک تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. مطبوعات محلی قبل از هرچیز باید تولیدکننده باشند؛ چراکه تنها مزیت نسبی مطبوعات محلی و شرط بقای آن همین تولید است. باید کار خلاقانه

و تولیدی در مطبوعات محلی سرلوحه‌ی کارقرار گیرد.

در مرحله‌ی دوم نیز مطبوعات محلی باید به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی خود بیش از پیش توجه داشته باشند و اشراف کلی و کامل برآن داشته باشند، اولویت‌ها و نیازهای بومی و محلی را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهنده تا بتوانند اثرگذاری خود بر هویت منطقه و انسجام‌بخشی جامعه را تقویت نمایند. در واقع، احیای ارزش‌ها و هنجارهای محلی و منطقه‌ای در راستای توسعه‌ی جوامع محلی از مهم‌ترین کارکردهای یک رسانه‌ی محلی به شمار می‌آید. نشریات محلی باید فرهنگ بومی را تقویت کنند؛ علاوه بر اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی که اساس کار مطبوعات است، لازم است که این نشریات در جهت تقویت فرهنگ بومی و ایجاد وحدت بین سطوح جامعه نیز حرکت کنند.

با وجود اینکه کارکردهای مطبوعات محلی چندان بر همگان مشخص نشده، اما با این امتیازات و انتشار جزئیات رویدادهای محلی مورد اعتماد جامعه‌ی خود قرار گرفته‌اند. آنچه به عنوان حلقه‌ی گمشده‌ی توسعه‌ی جامعه‌ها به شمار می‌آید و مطبوعات محلی نیز باید اهتمام بیشتری برای دستیابی بدان داشته باشند، این است که به استخراج نیازها و اولویت‌های توسعه‌ی محلی و ارائه‌ی آن به مسئولان در راه کمک به شناسایی نیازها و اقدام برای حل آن‌ها مبادرت ورزند (نشست تخصصی چالش‌های....، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

در حال حاضر مطبوعات محلی شناسه و هویت فرهنگی یک منطقه به شمار می‌آیند که به عنوان پیش‌قاول فرهنگ، هم عامل توسعه‌ی فرهنگ آن جامعه محسوب می‌شوند و هم میزان توسعه و ترقی یک منطقه با آن ارزیابی شده و محک می‌خورد. وجود مطبوعات محلی با پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی، حاوی اطلاعات و داده‌های فراوانی از کنش و بینش گذشته‌ی جامعه است که می‌تواند پشتوانه‌ی بزرگی برای آینده‌ی جامعه و روند توسعه‌ی مطبوعات جامعه به شمار آید. هرچند امروزه جنب‌وجوش در مطبوعات استان در هیاهوی رسانه‌های دیداری و شنیداری و مطبوعات سراسری کمتر است، اما همین پشتوانه‌ی تاریخی و فرهنگی باعث شده رونق مطبوعاتی در استان در مقایسه با گذشته بیشتر شود.

رقابت مثبت مطبوعاتی به بهبود کمی و کیف این بخش می‌انجامد و استمراری پایدار و پویا به وجود می‌آورد. این پویایی و رسیدن به ثبتیت، مستلزم پرداختن حرفه‌ای به شغل خبرنگاری و روزنامه‌نگاری، با در نظر گرفتن مؤلفه‌های امروزی آن است تا به مطبوعات حرفه‌ای با هویت بومی و فرهنگی برسیم.